



استیصال آمریکا به بازارهای مالی و بدهی رسید



سرمقاله

رسمی کاخ سفید هم خوانی ندارد. آمریکا برای ادامه جنگ به پول نیاز دارد. برای تأمین این پول باید اوراق بیشتری بفروشد. برای فروش اوراق، باید سرمایه‌گذار راضی کند. وقتی سرمایه‌گذار بازده بالاتری می‌خواهد، هزینه دولت افزایش می‌یابد. اگر هم نفت گران بماند و تورم دوباره جان بگیرد، کاهش نرخ بهره دشوارتر خواهد شد. و این یعنی هزینه تصمیم‌های واشنگتن در حال افزایش است و آزادی عمل آن محدودتر می‌شود. آمریکایی‌که ادعای اقتدار اقتصادی دارد، در عمل با بدهی سنگین، بازار اوراقی بی‌ثبات و بورس لرزان دست‌به‌گریبان است. جنگی که قرار بود نمایش قدرت باشد، این روزها به نشانه استیصال آمریکا بدل گشته و اگر تا دیروز هزینه سنگین جنگ در بنزین، غذا و کالاهای اساسی نمایش داده شده، حالا هزینه‌اش را روی میز بازارهای مالی هم گذاشته شده است. آنچه مسلم است، این است که فضای مانور اقتصادی آمریکا برای گسترش هرگونه تنش تازه، بسیار تنگ‌تر از تصور رسانه‌های غربی شده است. همان استیصالی که رهبر انقلاب به آن اشاره کردند، در واقع نامی دقیق است برای دولتی که در اوج ادعای قدرت، در تله‌ای از پرداخت بهره بدهی گرفتار شده است.

آمریکا فقط مسئله دولت نیست. این نرخ یکی از پایه‌های قیمت‌گذاری وام مسکن، اعتبار شرکت‌ها و بسیاری از فعالیت‌های مالی در آمریکاست. وقتی پول گران می‌شود، خرید خانه سخت‌تر، سرمایه‌گذاری شرکت‌ها محتاطانه‌تر و ارزش‌گذاری سهام شکننده‌تر می‌شود. بازارهای مالی آمریکا و وال استریت هم این فشار را احساس کرده‌اند. در روزهای اخیر، شاخص اس اند پی ۵۰۰ (S&P ۵۰۰) حدود ۲.۲ درصد و نزدک حدود ۳.۸ درصد پایین‌تر از رکوردهای خود قرار گرفتند. اما نکته تلخ‌تر برای آمریکا آنجاست که ژاپن، بزرگ‌ترین خریدار خارجی اوراق قرضه آمریکا و همان کسی که سال‌هاست با خرید مداوم این اوراق به آمریکا نفس می‌دهد، حالا برای اولین بار از سال ۱۹۹۶، بازده اوراق ده‌ساله‌اش به سه درصد رسیده و اوراق بلندمدتش رکوردهای سی‌ساله را لمس می‌کند. وقتی پول ژاپن ضعیف است و بازار داخلی ژاپن هم بازدهی جذاب می‌دهد، چرا سرمایه‌ژاپنی باید مثل گذشته راهی آمریکا شود؟ این‌جاست که رگ حیاتی تأمین مالی آمریکا دچار اختلال می‌شود؛ درست در لحظه‌ای که خود آمریکا بیشتر از همیشه به آن نیاز دارد.

جمع این عوامل، تصویری می‌سازد که با شعارهای

بزرگ‌تری درباره بازگشت فشارهای تورمی به دنبال دارد. در حال حاضر، دولت آمریکا بیش از ۴۰ تریلیون دلار بدهی دارد. برای تأمین هزینه‌های خود نیز به انتشار اوراق قرضه وابسته است. خریدار این اوراق، وقتی احساس کند تورم یا ریسک اقتصادی افزایش یافته، پول بیشتری طلب می‌کند. نتیجه ساده است: هزینه قرض گرفتن آمریکا بالا می‌رود. بازده اوراق ۱۰ساله خزانه‌داری آمریکا اکنون در محدوده ۴.۷ تا ۴.۸ درصد قرار گرفته و اوراق ۳۰ساله نیز بالای ۵.۲ درصد، یعنی سطحی که از سال ۲۰۰۷ به این‌سو دیده نشده، معامله می‌شود. معنای این اعداد این است که هرچه نرخ بهره بالاتر بماند، سهم بیشتری از منابع دولت باید صرف پرداخت هزینه بدهی شود. سرمایه‌گذاران دنیا دیگر مثل گذشته به آمریکا اعتماد نخواهند داشت. پس برای اینکه پولشان راده‌یاسی سال دست دولت آمریکا بسپارند، سودهای بسیار بیشتری طلب می‌کنند که از توان دولت خارج است. این قاعده طبیعی اقتصاد است که وقتی اعتماد به یک بدهکار کم می‌شود، باید بهره بیشتری بدهد تا کسی حاضر شود دوباره به او وام دهد.

مشکل همین‌جا متوقف نمی‌شود. نرخ اوراق خزانه

روزی که رهبر معظم انقلاب در پیام خود درباره تفاهم‌نامه، واژه «استیصال آمریکا» را به کار بردند، کمتر کسی تصور می‌کرد این توصیف تا این اندازه زود و تا این اندازه دقیق در آمارها خودش را نشان دهد. اما گذر چند هفته کافی بود تا معلوم شود سخن رهبری، توصیفی دقیق از وضعیتی بود که همان روزها در دل بازارهای آمریکا در حال شکل گرفتن بود.

هرگامی که آمریکا در این جنگ برداشته، ردی از خود در

یکی از بازارهای حیاتی اقتصادش به‌جا گذاشته است؛

از قیمت انرژی گرفته تا غذا و کالاهای اساسی. و حالا

نوبت به جایی رسیده که برای هر دولتی، از حساس‌ترین

نقطه‌های اقتصاد به شمار می‌آید: بازار بدهی و اوراق

مالی آمریکا.

ماجرای جبهش مجدد قیمت نفت در روزهای اخیر شروع می‌شود. با شعله‌ور شدن دوباره درگیری نظامی، قیمت نفت برنت جهشی چشمگیر کرد و به محدوده نزدیک به ۹۵ دلار رسید. نفت وست‌تگزاس آمریکا نیز با رشد ۵.۲ درصدی، برای نخستین بار طی دو ماه اخیر بالای ۹۰ دلار قرار گرفت. برای مردم عادی، معنای این اتفاق را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: گرانی. اما برای اقتصاددانان و سرمایه‌گذاران، نفت گران‌تر هشدار

#اعتراف روزنامه معاریو

وحشت صهیونیست‌ها از جنگ جدید با ایران

ترس از تداوم درگیری با ایران فقط در محافل سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی نیست؛ حالا این نگرانی به افکار عمومی هم رسیده است. نظرسنجی یک روزنامه عبری‌زبان نشان می‌دهد بخش بزرگی از جامعه صهیونیستی نگران آغاز دوباره جنگ با ایران است. روزنامه معاریودر تازه‌ترین نظرسنجی خود اعلام کرده ۵۵درصد از ساکنان سرزمین‌های اشغالی از آغاز جنگ تازه میان رژیم صهیونیستی و ایران در آینده نزدیک وحشت دارند. هم‌زمان، محافل راهبردی رژیم صهیونیستی مدعی شده‌اند ایران ممکن است برای یک حمله گسترده و هماهنگ در چند جبهه آماده شود؛ سناریویی که آن‌ها از نظر غافلگیری و هماهنگی، با حمله هفتم اکتبر مقایسه کرده‌اند. براساس این ارزیابی، تهران ممکن است حزب‌الله لبنان، حماس، انصارالله یمن و گروه‌های هم‌پیمان در عراق را در یک عملیات هماهنگ علیه رژیم صهیونیستی فعال کند. اما نکته مهم‌تر، خوداعتراف به ترس است. وقتی بیش از نیمی از جامعه صهیونیستی نگران آغاز جنگ با ایران هستند، یعنی هزینه روانی و امنیتی رویارویی با تهران بالاتر از قبل رفته است. در جریان تجاوز چهل‌روزه به ایران، متجاوزان هزینه‌های سنگینی متحمل شدند. ایران با استفاده از ظرفیت موشکی و اطلاعاتی خود توانست نقاط راهبردی اسرائیل و همچنین پایگاه‌های آمریکا را هدف قرار دهد. همین دقت اصابت موشک‌های ایران باعث شد تا هزینه‌های هرگونه تجاوز جدید به ایران برای اسرائیل و آمریکا به شدت بالا رود.

قاب

اثبات استفاده آمریکا از تسلیحات هدایت‌شونده دقیق در سیریک

پس از بررسی قطعات تسلیحات به کاررفته در حمله آمریکا به مراسم عروسی در کوهستک سیریک، مشخص شد که از تسلیحات هدایت‌شونده دقیق تولیدشده توسط کمپانی ریتون آمریکا بوده است.



#اعتراف نیویورک تایمز

حمله به کوهستک کار آمریکا بود

در میانه تلاش‌های گروه‌ها و رسانه‌های ضدایرانی برای تظہیر جنایت آمریکا در حمله به جشن عروسی کوهستک و انکارهای سنتکام و کاخ سفید، روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز با بررسی تصاویر و ویدئوهای مربوط به محل حمله و تطبیق آن‌ها با بقایای مهمات، نوع سلاح استفاده‌شده در حمله به کوهستک سیریک را مشخص کرده است. براساس گزارش این روزنامه، حمله‌ای به یک دکل مخابراتی بزرگ در نزدیکی بندر کوهستک انجام شده است، پس از اصابت، دکل از جای خود کنده شده و به سمت یک مغازه و ساختمان‌های مسکونی سقوط کرده، اما در فاصله ۱۵۰ متری دکل، حمله دیگری به ساختمانی در منطقه مسکونی محل برگزاری مراسم عروسی رخ داده است. همین فاصله نشان می‌دهد اساساً وقوع خطای انسانی و محاسباتی در هدف قرار دادن دکل، قابل پذیرش نیست. همچنین، نیویورک تایمز تصاویر بقایای مهمات به‌جامانده در محل را با «تره‌ور بال»، تکنیسیس سابق خنثی‌سازی مواد منفجره ارتش آمریکا و تحلیلگر تسلیحات، در میان گذاشت. او این بقایا را متعلق به اجزای یک بمب گلاید مورد استفاده فرماندهی مرکزی آمریکا دانست. این بمب پس از رها شدن از جنگنده، با استفاده از سامانه‌های هدایت خود به سمت هدف حرکت می‌کند. یعنی تا لحظه اصابت، اپراتور آن را هدایت و کنترل می‌کند.